

نگاه

من متفرم از دوم‌بودن...

● **سجاد افشاریان**: به اعتقاد من مهم‌ترین شاخصه درونی تمام گروه تولیدکننده سریال «نجوا» در بیشتر بخش‌ها همین روحیه برآمده از تیر این یادداشت است؛ من متفرم از دوم‌بودن...

فیلم‌نامه «نجوا» مانند آینه‌ای در برابر سیر انهدام یک اجتماع (اجتماع به معنای آنچه از خانه و خانواده آغاز می‌شود) پریشان‌احوالی طبقات مختلف را که مبتنی و برخاسته از فروپاشی نظام‌های فرهنگی، اخلاقی و... است به صورت معاصر تعریف می‌کند و حالا من در اولین برخورد با جهان فیلم‌نامه سعید شاهسورای مواجه شده بودم که در ابعاد مختلف به انسان می‌پردازد؛ انسانی که سعی دارد فارسی را درست صحبت کند، واژگانش دستچین شده‌اند و روح را صیقل می‌دهند، پیچیدگی‌های قصه‌اش مانند پیچیدگی‌های عجیب سال‌ها و تاریخ پشت‌سر قیوام دارد. تا به اینجا ضرورت بازیافت و پرداخت به اندیشه و درنک روی تولید کاری که دوباره می‌تواند آغازگر یک جریان فکری و سرآغاز دوباره یک راه باشد خود انگیزه‌ای صدچندان است، آن هم در تلویزیونی که از روزهای اوجش بسیار فاصله گرفته و در نبود مدیرانی که با اتاق فکرهای قوی نیروهای مؤثر اجرایی رسانه را شناسایی و آنها را برای تولید اندیشه تقویت کند، تلویزیونی که نخیکی دیگر برایش هیچ تعریفی ندارد، تلویزیونی که با کوه تفکری و دست‌های خالی خود را در رقابت با شبکه‌های دیگر به هر دری می‌زند و حواسش نیست که در بیشتر مواقع رنگ زرد تهی از معنای آن شبکه‌ها را به خود می‌گیرد، تلویزیونی که انگار نه‌انگار کیانوش عیاری در آن «روزگار قریب» ساخته، تلویزیونی که مهم‌ترین رسانه برای بلورین‌ساختن روح و ذهن یک جامعه است و چه غریب بی‌تعمدی و فوج‌فوج فریب



جای مسئولیت را گرفته است. به نجوا برمی‌گردم، به روزهای پشت‌سر؛ به ابراهیم شبیانی؛ کارگردانی که پاشنه جوانی‌اش را کشیده تا نجوا ساخته شود، کارگردانی که طعم سینما را از نوجوانی چشیده و بسیار تجربه کرده و با تمام نیروی جوانی‌اش به گواه روزهای پشت‌سر تمام‌قد در کنار نویسنده ایستاده تا این مهم اتفاق و تصویر شود، «جامعه ما در یک لوکیشن به‌هیچ‌وجه به درستی تصویر نمی‌شود»، جمله بالاک تیر است که در دل خود باردار بخش اندکی از سختی‌های تولید نجواس‌ت، یادم می‌آید به تعداد دین پرگ آفینش‌های روزانه (ما تعدد لوکیشن داشتیم، این «ما» همان جمعی است که درون روحشان، نهالی سبز شده بود که می‌خواست بلندبالاترین سپیدار باشد در معبر باد. نجوا به اعتقاد من مسیر بالندگی‌اش را برای بلندبالاشدن و ثبت در حافظه یک تاریخ به نام رسانه و حافظه یک اجتماع آغاز کرده است، آن هم در گذر از مسیرهای سختی که بر بود از آدم‌هایی که قد قامت روحشان به اندازه اهربری‌های دستان بود.

دلم می‌خواست روزگار به‌گونه‌ای روزگار بود که بعد از دو سال با شغف بیشتری درباره نجوا و جان نجوا می‌نوشتم، اما همان‌طور که می‌خوانید تلخ و این نوشته‌ها تلخ می‌شود، بیشتر گفتن را می‌گذارم به شور و شعور روزهای پیش‌رو. اینکه هنوز صدای ضریان قلم در تمامی سکانس‌های جلال یادم هست مرا در مسیری که پیش گرفته‌ام امیدوار و شاکر نگه می‌دارد. در پایان سکانس‌ی از جلال و فروغ که تازه به خانه جدیدشان آمده بودند، جلال می‌خواند: در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد / عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد شما با صدای استاد شجریان بشنوید و تصور کنید و عشق کنید. با ارادت به تمام شما که ما را می‌بینید و می‌شنوید و می‌خوانید.

بهناز شیربانی: ابراهیم شبیانی به‌واسطه حضورش

در سینما؛ چه زمانی که دستیار کارگردان بوده و چه زمانی که خودش به سمت ساخت فیلم بلند رفت و کارش را به‌عنوان کارگردان ادامه داد، برای مخاطبان سینما آشناتر است، اما سریال «نجوا» بهانه گفت‌وگو با ابراهیم شبیانی است؛ سریالی که این شب‌ها از شبکه یک سیما پخش می‌شود و زمانی به نسبت طولانی صرف ساختش شده است. شبیانی معتقد است معیارهایی که کیفیت اثر را تضمین می‌کند، برایش در تلویزیون اتفاق افتاده است، همین موضوع می‌تواند دلیلی منطقی برای فاصله‌اش با سینما باشد، اینکه به هر قیمتی حاضر نیست در سینما فعالیت کند و اثر باکیفیتی در تلویزیون هم معنا پیدا کند. سریال «نجوا» هنوز به پایان نرسیده و قضاوت درباره موفقیت یا شکست این اثر زود است. گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید، صحبت‌های ابراهیم شبیانی در مورد تجربه ساخت سریال «نجوا» است.

ساخت سریال «نجوا» چندسالی ادامه‌دار شد.

گویا بیژن میرباقری به‌عنوان گزینه ابتدایی برای کارگردانی این سریال در نظر گرفته شده بود و بعد تغییراتی به وجود آمد، چه شد که کارگردانی این مجموعه به شما پیشنهاد شد؟ حضور آقای میرباقری در ساخت «نجوا» به سال ۹۳ برمی‌گردد. آقای سعید شاهسورای، تهیه‌کننده و نویسنده این مجموعه، در شهریور سال ۹۵ برای همکاری از من دعوت کردند تا به همراه آقای داریوش فرهنگ کارگردانی کنیم. آقای فرهنگ چندماهه در پیش‌تولید همراه ما بودند، ولی به دلایل شخصی تصمیم گرفتند از پروژه جدا شوند.

قسمت اول برای آشنایی مخاطب با سریال کمی غافلگیرکننده بود. سکانس‌های طولانی و دیالوگ‌های کسم برای مخاطب تلویزیون کمی غیرمتعارف است و البته فرم غیرخطی سریال و روت‌برگشت زمان که به مرور برای مخاطبان آشناتر شد. شاید به‌نوعی می‌توان گفت «نجوا» شمایل سینمایی‌تری دارد تا تلویزیونی.

رسیدن به این فرم صحبت کنید و اینکه تا چه حد پیش از شروع ساخت، در فیلم‌نامه دخل‌وتصرف داشتید؟

از زمانی که تصمیم گرفتیم «نجوا» را بسازیم می‌دانستیم که با مخاطب خاص‌تری طرف هستیم. متأسفانه در تلویزیون بیشتر از یک دهه است سریال‌هایی ساخته شده که سلیقه مخاطب را کاهش داده سعی ما بر این بود انتظاری که خودمان نسبت به تلویزیون داریم کاری انجام دهیم. قصه‌ای که می‌بینید به طور کامل نوشته آقای شاهسورای است، در بعضی موارد اگر تردیدی وجود داشت با هم مشورت می‌کردیم و در نهایت به بهترین انتخاب می‌رسیدیم. محتوا، مضمون و دیالوگ متعلق به آقای شاهسورای است. برای معرفی شخصیت‌ها و فضا خارج از معمول سریال‌هایی‌که می‌بینیم استفاده کردیم و این نیز مربوط به فیلم‌نامه و مسیری بود که قصه ما را هدایت می‌کرد؛ تصاویر خاص تر و فضاهای کم‌تردیده‌شده در تلویزیون، در قسمت اول حدود ۲۰ دقیقه بدون حتی یک دیالوگ قصه روایت شد. قطعا این‌فضا برخلاف تصور مخاطبان از سریال‌های تلویزیونی است که معمولا بیشتر دیالوگ می‌شوند تا تصویر ببینند. به این معنا که تصاویر بخشی از داستان ما بود و درباره سریال نجوا هم این اتفاق افتاد.

آقای شبیانی! چه می‌شود کارگردانی که کارش را با دستگیری در سینما شروع کرده است و تجربه ساخت فیلم بلند داشته، به سمت تلویزیون می‌آید و چندسالی را در این مدیوم تجربه می‌کند. مقصود ما بررسی یکی بر دیگری نیست؛ سؤال من بیشتر از این جنبه است که در تلویزیون قطعا با محدودیت‌هایی سروکار داریم و اساسا مدیوم متفاوت‌تری است. آیا حرف تازه‌ای برای گفت داشتید که این فضا مناسب‌تر بود؟ یا درحال حاضر تلویزیون جای مناسب‌تری برای شماست؟

همه این مواردی که شما گفتید وجود دارد، اما نکته مهم‌تر این است که برای من همیشه فیلم‌نامه خیلی مهم بوده و هست و بعد از انتخاب فیلم‌نامه تهیه‌کننده برایم اهمیت فراوانی دارد. ترجیح می‌دهم با تهیه‌کنندگانی که فهم و درک از

هنر

گفت‌وگو با ابراهیم شبیانی

«نجوا» هنوز به پایان نرسیده



عکس: اسماعیل وافقینی

همراه دارد، اما دلیل فاصله‌گرفتن شما از سینما چیست؟

من پروژه‌ای را اواخر سال ۹۲ با نام «سایه‌تا را قباب می‌گیرم» به‌همراه خانم هدیه تهرانی شروع کردم. پروانه ساخت هم گرفتیم به تهیه‌کنندگی خانم تهرانی و قرار بود ایشان بازیگر فیلم نیز باشند، اما فیلم‌نامه آن نشد که هر دوی ما انتظار داشتیم و تصمیم گرفتیم قصه دیگری را کار کنیم. بعد از آن منی‌سریال «بازل» را در سال ۹۳ برای شبکه یک ساختم. در اواخر آن سال، کاری را با آقای اکبر نبوی شروع کردیم. مراحل تحقیق و نگارش را به همراه دو نویسنده خوب سینما گذراندیم و در سال ۹۴ پروانه ساخت گرفتیم، اما به این دلیل که فیلم‌نامه درباره اسیدپاشی بود و آقای درمیشیان فیلم لاتوری می‌شود، کمتر از ۱۰ فیلم برای مخاطبی که سینما را جدی دنبال می‌کند، فیلم باارزشی است. همه این دلایل باعث می‌شود اگر پیشنهاد فیلم‌نامه خوبی

از سوی یک تهیه‌کننده خوب داشته باشیم، این موقعیت را از دست ندهم. قطعا سینما برای همه ما اولویت است، چراکه موقعیت‌هایی را در سینما می‌توان به تصویر کشید که در تلویزیون قطعا نمی‌توان به آن نزدیک شد. کارگردان بزرگ و فهیم، آقای عیاری همین الان مشغول ساخت سریال هستند یا پیش از این آقای مهرجویی برای این مدیوم کار کرده است. تجربه نشان داده است که

اگر با همان نگاه فرهنگی و شناخت درستی که از سینما داریم، تلویزیون را هم دنبال کنیم قطعا نتیجه خوبی به دست خواهد آمد. یک سال پیش تولید و حدود ۱۱ ماه برای ساخت «نجوا» زمان گذاشتیم، چهار تا پنج هزار پلان گرفته شد و برای سریالی با بودجه محدود کار بسیار سختی بود. خوشبختانه نظرات نشان می‌دهد که تلاش گروه نجوا دیده شده و بسیاری متوجه برتری کیفیت آن چه به‌لحاظ محتوا و چه ساخت و اجرا با سایر کارها شده‌اند.

از سال تا امروز، بعد از ساخت «هیچ‌کجا، هیچ‌کس» در سینما کار نکردید! قطعا در سال‌های اخیر قواعد سینما کمی تغییر کرده و تعدد ساخت آثار کمدی و امید به بازگشت سرمایه و اتفاقاتی از این قبیل انتقاد بسیاری از فیلم‌سازان را به

دارند. این انتخاب‌ها برای تلویزیون معقول نیست، در مقطعی تصمیم گرفته شد چند بازیگر اصلی را از چهره‌های شناخته‌شده‌تر انتخاب کنیم و باقی بازیگرها از میان کسانی انتخاب شوند که خیلی برای مخاطب آشنا نیستند. اما همان دستمزد دو بازیگر می‌شد کل برآورد بازیگری سریال نجوا. بسیاری از سریال‌ها با چنین نگاهی ساخته می‌شوند، اما متأسفانه نقش‌های فرعی‌تر به این بازیگران سپرده می‌شود.

اما ما تصمیم گرفتیم برای تمامی نقش‌ها به سراغ بچه‌های تئاتر برویم که اول از انگیزه بالاتری بهره‌مند هستند و دوم اینکه اصولا تلویزیون و سریال‌ها باید بیشتر از این بچه‌های مستعد استفاده کنند. نکته مهم‌تری که برای من به‌لحاظ انتخاب بازیگران تئاتر وجود داشت، از پتانسیل و بازی خوب بازیگران تئاتر باید استفاده کرد. قطعا در سینما چنین انتخاب‌هایی ریسک محسوب می‌شود؛ به این دلیل که تهیه‌کننده به دنبال اکران خوب‌گرفتن است و مردم ابتدا برای دیدن چهره‌هایی که دوستان دارند، به سینما می‌روند و بعد قصه و داستان برایشان مهم است که متأسفانه خیلی مواقع خلاف این نکته اتفاق می‌افتد، اما تلویزیون از این قاعده مستثناست، می‌توان به سمت انتخاب بازیگرانی رفت که خیلی برای تماشاگر آشنا نیستند و مخاطب می‌تواند با بازی خوب آنها ارتباط برقرار کند. این اتفاق سابقا‌ها پیش در دفتر آقای شاهسورای افتاد و سریال «در پناه تو» با حضور بازیگران تئاتر ساخته شد و بازیگران خوبی را به سینما و تلویزیون معرفی کردند. ما تقریبا از همان موقعیت استفاده کردیم.

در مورد آقای افشاریان چندین ماه قبل از ساخت سریال، اجرایی را از او به نام «اسکارلت دهه ۶۰» دیدم که اجرای ویژه‌ای بود. از آنجا شد که ایشان را برای نقش جلال شایان در نظر گرفتیم. با نظراتی که از مخاطبان می‌بینم، به نظرم مخاطب از انتخاب آقای افشاریان ناراضی نیست.

اما من خیلی با نظم شما برای انتخاب نقش اصلی سریال موافق نیستم و حس می‌کنم سجاد افشاریان خیلی شمایلی یک ضد قهرمان را ندارد. قرار بود آدم‌هایی را با موقعیت‌های کاملا متفاوت به تصویر بشکسیم، ما شخصیت سفید یا سیاه مطلق نداریم. شخصیت اصلی می‌تواند ضد قهرمان باشد اما ما به این عنوان به آن نگاه نمی‌کردیم. از آنجایی که سجاد افشاریان تجربه بازیگری در یک مجموعه با این مشخصات و وسعت را نداشته، حتما در اجرای نقش می‌تواند کم‌وکاستی داشته باشد. اگر اتفاقی در هدایت او رخ داده، حتما مقصر آن من هم هستم که ممکن است شما را به عنوان مخاطب خیلی راضی نکند. برای نقش جلال شایان بهترین گزینه آقای افشاریان بودند. حدود یک سال نجوا در پیش‌تولید بود؛ با اکثر بازیگران در حوزه تئاتر تمرین‌های زیادی داشتیم و گزینه‌های بسیار زیادی را برای بازی در این مجموعه دیدم. به جرئت می‌گویم در حوزه بازیگران حرفه‌ای تئاتر کسی را از قلم نینداختم. متأسفانه در سنین مختلف به شدت فقر بازیگر داریم، به نظرم آقای افشاریان برای این نقش بازیگر مناسب‌تری بودند تا دیگری که کاندیدای این نقش بودند.

ظاهرا نجوا تا اینجا ارتباط خوبی با مخاطبان برقرار کرده است، اما قطعا بیشتر در جریان نقاط قوت و ضعف سریال از دید مخاطبان هستید. نظرات مردم در ارتباط با سریال چطور است؟

خوشبختانه میزان نقدهای خوب بیشتر از کسانی است که ارتباط کمتری با سریال نجوا برقرار کرده‌اند. نجوا مخاطبش را فهیم تصور کرده و سعی کردیم با مخاطب ایرانی در ارتباط باشیم که ادبیاتش، ادبیات متفاوت‌تری است. روایت ما متفاوت و گاهی غیرخطی است و به‌لحاظ اجرای کارگردانی سعی شده اجرای متفاوت‌تری داشته باشد. تلاش کردیم شانی که برای خودمان قائل هستیم برای مخاطب قائل باشیم. علی محمدراده به عنوان مدیر فیلم‌برداری زحمت زیادی برای پروژه کشید، او یکی از باسوادترین تصویربرداران تلویزیون است. از بازیگران فهیم و خوب سریال آقایان مسعود کرامتی، محمدعلی نجفی، احمد حامد، پوریا رحیمی‌سام، سجاد افشاریان، وحید نفر، مجید نوروزی و خانم ارجمند و نامی تشکر می‌کنم. تشکر ویژه از مهدی احمدی عزیز که لطف کرد و نقش کوتاهی در نجوا بازی کرد.

درپچه

«نجوایی باصدای بلند»

● **سحرعصر آزاد**: «نجوا» را باید اتفاق خوش این روزهای تلویزیون دانست که با تکیه بر دغدغه‌مندی و نگاه حرفه‌ای سازندگانش می‌تواند موجب پیوند دوباره مخاطبان قهرکرده با رسانه ملی شود. پرونده ساخت این سریال سابقه‌ای طولانی دارد که به‌واسطه همت بلند سازندگانش به‌ویژه سعید شاهسورای که نویسندگی، تهیه‌کنندگی و تدوین کار را برعهده دارد، توانسته است به مرحله پخش برسد. شاهسورای با سابقه‌ای روشن در تلویزیون و سینما؛ هرچند با تمرکز بر تدوین فعالیتش را آغاز کرد، اما در آثاری که صرفا تدوین آنها را برعهده داشته است نیز همواره وجهی از تفکر خود را به کار افزوده که «رقص در غبار» و «ما همه خوبیم» نمونه‌هایی از این رویکرد هستند.

نگارش فیلم‌نامه برای فیلم‌ها و سریال‌هایی که خودش تهیه‌کنندگی آنها را برعهده داشته است، به‌تدریج نوع نگاهی را از او به نمایش گذاشت که در عین امداری به سینمای کلاسیک، واجد اصالت در خلق قصه، موقعیت، کاراکترها و بسط و گسترش داستانی است و در عمق کار نوعی نگاه حسرت‌بار به عشق و اخلاق ازدست‌رفته وجود دارد.

«نجوا» در عین تداوم این نوع نگاه که در سریال‌های «اولین شب آرامش»، «بی‌گناهان» و سریال ناتمام «داوران» و فیلم‌های «روز برمی‌آید»، «بی‌خداحافظی» و «دوزخ، برزخ، بهشت» قابل ردیابی است، واجد یک فرم و ساختار روایی مدرن و هوشمندانه است که در عرصه سریال‌های ایرانی به‌ویژه از نوع تلویزیونی تازگی دارد.

کنار هم قرارگرفتن این دغدغه‌مندی ریشه‌دار با پتانسیل‌های کارگردان جوانی همچون ابراهیم شبیانی که فیلم‌های قابل بحثی همچون «صحنه جرم ورود ممنوع» و «هیچ کجا هیچ‌کس» را در کارنامه دارد، در «نجوا» این توفید را می‌دهد که ماحصل کار انری قلاقانه با تکیه بر مفاهیم اصل و ریشه‌دار در پیوندی مناسب بین فرم و محتوا باشد. نجوا قصه زنی به نام فروغ هرمزی (نغمه ارجمند) است که از قله

یک عشق پرشور به دره عمیق فروپاشی می‌رسد و در این موقعیت تلاش می‌کند تکه‌های ازهم‌پاشیده خود را با زبانی رابط‌ش با جلال شایان (سجاد افشاریان) از گذشته تا حال، کنار هم بچیند و به پاسخ این چرایی برسد؛ زنی که اگرچه در مسیر کلرخ کمالی فیلم «سگ‌کشی» سفری به ساهی‌های اطراش و آنچه عشق جلال پیش پایش قرار داده است، حرکت می‌کند اما با رنگ‌باختن مفهوم خیانت که در فیلم بهرام بیضایی برجستگی نمادین خاصی داشت، به چگونگی لغزش جلال از عاشقی (نه به سمت هوسرانی) به سمت جاهدطلبی مادی‌ای بی‌می‌برد که سطحی متفاوت و عمیق‌تر از آگاهی است که کلرخ در انتها به آن می‌رسد. در واقع مسیر بی‌اخلاقی‌ای که جلال با دورشدن از عشق فروغ در پی می‌گیرد، برآمده از دغدغه‌های روز و مسائل مبتلا به جامعه اخلاص‌زده امروز ماست که با نگاهی آسیب‌شناسانه، در دل خود به تاریخ و ریشه‌های فرهنگی نقب می‌زند که نیاز به چنین تلنگری برای یادآوری دارد.

با چنین روایت چندلایه و تودرتویی که به‌واسطه بستر مستعد ذهن فروغ؛ مرتب بین حال و گذشته در نوسان است، چپش روایت خطی که در دل خود بتواند بازنگری به گذشته داشته باشد و درعین‌حال از تبعات فلاش‌بک کلاسیک در امان بماند، کاری بس دشوار است. اما آنچه در «نجوا» اتفاق افتاده روایتی همگون و متناسب از تبادل گذشته و حال بر بستر درامی پرتش، پرقصه و پرشخصیت است که به واسطه پرداخت هوشمندانه، زمینه جذابی برای همراهی مخاطب در این مسیر پراوج و فرود را فراهم می‌کنند. به همین دلیل سریال آغازی متعارف ندارد که روی عادت مالوف مخاطب او را به همراهی وادارد، از شیوه کددهی و ارائه اطلاعات ناکامل برای ایجاد کنجکاوی بهره می‌برد تا در یک مسیر تدریجی و همراهی پرمخاطره مخاطب را در جریان قصه‌ای که می‌خواهد روایت کند، قرار دهد؛ قصه‌ای که طبعاً قرار نیست در ادامه هم سراسرت پیش برود و می‌توان انتظار شکستن هر قالبی آشنا و ازپیش‌تعیین‌شده‌ای را در آن داشت؛ از حذف کاراکتر مهم و محورای هرچون جلال قبل از به نیمه‌رسیدن سریال تا اضافه‌کردن کاراکتر مکمل تاثیرگذاری همچون یگانه (ایوب اخاقتی) در کنار کاراکترهای کاربردی و جذابی همچون پرهام (احمد حامد)، سلیمی (مسعود کرامتی)، سامانی (پوریا رحیمی‌سام)، همتی (وحید نفر) و... در کنار زنان تعیین‌کننده سریال که در رأس آنها فروغ قرار گرفته است و کاراکترهای نوشین (الهام نامی)، زریں (پریسا صبوریزاد)، لایلا (سوکل خلیق)، خواهر ناتنی جلال (شهین نجف‌زاده) و...

این روندی است که همچنان با رسیدن سریال به نیمه پخش همچنان ادامه دارد و با گذر زمانی یک‌ساله که به شیوه‌ای نامتعارف به تصویر کشیده شده؛ با حرکت دوربین در دلالتی مبهم و خاک‌گرفته و تداخل مونولوگ‌های تعیین‌کننده کاراکترها، قصه جهشی به جلو و بازگشتی دوباره به شش ماه قبل دارد تا با ورود کاراکتر جدید هاتف (مهدی احمدی)، روند درام بدون آنکه تخت و قابل پیش‌بینی شود، آماده مواجهه با رویدادهای غافلگیرانه باشد. سریالی که تلاش می‌کند جذابیت‌هایی را که مخاطب امروز تلویزیون به‌واسطه مضامین تکراری و حاکمیت نگاه غیرتخصصی در تلویزیون از آن محروم شده است، یادآوری کند. طبعاً این نجوی بلند به گوش آنها که بساطشان به آگاهی‌نبودن مخاطب برده است، خوش نیاید.

روایت «نی‌نوا» با همراهی ارکستر سمفونیک تهران

قطعه آغاز شد. سازها با نظم خاصی یکدیگر را همراهی می‌کردند، گاهی پدایشن‌ها به یکدیگر می‌پیوست و گاهی سکوت کرده و به دیگری اجازه هنرنمایی می‌دادند. در انتهای این قطعه صدای تشویق جمعیت بلند شد. از جاذبه‌های اجرای ارکستر سمفونیک تهران، حضور سولیست‌هایی برای هر قطعه بود که باعث می‌شد حضاران علاوه‌بر لذت شنیداری به اجرا کرد. فرازفرودهای قطعه، مخاطبان را به ملودی که تک‌نوازی نی آن را سوزناک کرده بود، جذب کرد. پس از به‌پایان‌رسیدن خود اوست، شکل بگیرد. عود با دیگر سازها درآمیخت تا نوبت به «مرثیه‌ای برای یک درد ممند»، ساخته علی بیرزن برسد. پدram فیروسی به‌عنوان سولیست ویلن این قطعه را نواخت. پایان‌بخش کنسرت، اجرای قطعه‌ای از ساخته‌های مهران روحانی بود.

ارکستر سمفونیک تهران چهارشنبه‌شب مقابل مخاطبان علاقه‌مند به موسیقی کلاسیک روی صحنه رفت و قطععاتی از آهنگ‌سازان مطرح ایرانی را با رهبری شهرداد روحانی به گوش رساند. ارکستر در برابر ریزرتار شروع به نواختن کرد. اولین قطعه، «نی‌نوا» بود و پاشا هنجنی، نوازنده نی، با همراهی ارکستر، قطعه معروف شعی علی‌زاده را اجرا کرد. فرازفرودهای قطعه، مخاطبان را به ملودی که تک‌نوازی نی آن را سوزناک کرده بود، جذب کرد. پس از به‌پایان‌رسیدن خود اوست، شکل بگیرد. عود با دیگر سازها درآمیخت تا نوبت به «مرثیه‌ای برای یک درد ممند»، ساخته علی بیرزن برسد. پدram فیروسی به‌عنوان سولیست ویلن این قطعه را نواخت. پایان‌بخش کنسرت، اجرای قطعه‌ای از سولیست حضور داشت و پس از بالا رفتن دستان روحانی

سیستم مدیریت یکپارچه / کد ۰۰/۲۵/۱۰/ف آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای (شماره ۱۳۰/ الف ج / ۹۷)

شرکت آب وفاضلاب استان البرز در نظر دارد ۶۰۰ متر لوله پلی اتیلن دو جداره فاضلابی سایز ۲۵۰ میلیمتر را از طریق مناقصه عمومی از مناقصه گران واجد شرایط خریداری نماید .

مدت تحویل: از تاریخ انعقاد قرارداد به مدت ۱ (یک) ماه تعیین میگردد.
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۸۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت واریز نقدی به حساب شرکت ، چک بانکی تضمین شده یا ضمانتنامه بانکی می باشد .
مهلت تحویل اسناد مناقصه: تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۷/۰۹/۱۷ و محل تحویل اسناد اداره دبیر خانه شرکت آب و فاضلاب استان البرز میباشد .

تاریخ بازگشایی پاکات: ساعت ۱۵روز یکشنبه مورخ ۹۷/۰۹/۱۸ خواهد بود.

داوطلبان میتوانند به منظور دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۹۷/۰۸/۲۶ تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۰۸/۳۰ با در دست داشتن معرفی نامه به اداره دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان البرز واقع در کرج – انتهای بلوار شهید چمران – ساختمان شماره یک مراجعه نمایند.
تلفن تماس : ۰۲۶-۳۲۱۱۷۱۰۹
هزینه درج آگهی بعهدہ برنده مناقصه میباشد . سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است .

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات ، به آدرس (iets.mporg.ir) مراجعه نماید .

شرکت آب و فاضلاب استان البرز(سهامی خاص)